



جایگاه کارگر در مکاتب اقتصادی ص ۲



سال تاسیس: ۱۳۹۴



کار در ادبیات فارسی دری چکیده

دکتر حفیظ شریعتی "سحر"



کار و فعالیت‌های اجتماعی از جایگاهی بالایی در بین شاعران، ادیبان، عارفان و صوفیان پارسی‌گو برخوردار است. کار برای این بزرگان همانند بسیاری از پیشه‌وران اهمیت حیاتی داشته‌اند و آن را در شعرهای‌شان انعکاس داده‌اند. آنان افزون بر برپایی مجالس وعظ، سماع و محافل مذهبی و عرفانی اهل کار و تلاش بودند و با اتکا بر حرفه و پیشه‌ای ویژه، امرار معاش خود و خانواده‌شان را از طریق کار کردن فراهم می‌کردند. نمونه‌ای از این تلاش‌ها برای کسب روزی حلال عطارنیشابوری است که شغل عطاری داشت.

باری، این شاعران انسان‌های زحمتکش بودند و افزون بر توکل به خداوند، به تلاش، کوشش و کسب روزی حلال می‌کوشیدند. بنابراین، در این نوشته این اشاره‌های شاعرانه در باره کار و همت برای کسب روزی حلال در شعر شاعران فارسی زبان جست‌وجو و بررسی شده است. از این رو پس از بررسی احوال و اقوال شاعران در باره کار و اهمیت فعالیت‌های اجتماعی نمونه‌ای از شعر آنان نیز آورده شده است.

مقدمه: در جهان هستی، همه موجودات در تناسب و هماهنگی دستگاه آفرینش با یک‌دیگر می‌چرخند و به کاری مشغولند. گویا هر ذره‌ای به کاری مشغول است «در این پرده یک رشته بیکار نیست»، آدمی نیز در این مجموعه هماهنگ به تناسب ظرفیت و توانایی‌اش به کاری مشغول است. تنها در این صورت است که وی در متن موسیقی هستی، ساز موافق می‌نوازد و با تمام ذرات آفرینش، هم آوا می‌شود:

هر ذره که هست، اگر غباری است خرامیدن لاجوردی سپهر مپن‌دار کز بهر بازیگری است در این پرده یک رشته بیکار
در پرده ملکوت به کاری است همی‌گرد گردیدن ماه و مهر سرپرده ای این چنین سراسری نیست سررشته بر ما پدیدار

در ادبیات فارسی از کار، به عنوان یکی از رازهای اصلی پیشرفت و تکامل و رسیدن به عزت و آبرو یاد کرده‌اند؛ و این‌که بر اثر کار، گره از کارهای فروبسته گشوده می‌شود. انسان طبیعت را رام و دست به کیمیاگری می‌زند. در ادب فارسی، اثری از بی‌کاری و دست روی دست گذاشتن نیست؛ بلکه مضمونی که بازتابی گسترده یافته در ادبیات فارسی یافته است، کار است. «ادبیات و تعهد در اسلام... ادامه ص ۳»

سخن کارا

وضعیت کار و کارگری در افغانستان

دکتر عارف رضایی



کارگران بازوهای اجرایی و متحرک هر جامعه‌ی بسوی رشد، تعالی، پویایی و شکوفایی هستند و با ویژگی پاراگماتستی که دارند مستقیماً وارد بازار کار گردیده و کشور را بسوی ترقی و خودکفایی می‌کشاند. بدون تردید تمام داشته‌های اقتصادی و پیشرفت‌های حاصل در مسیر زندگی از رهگذر رشد و پویایی فکر و گسترش اندیشه ورزی کمک می‌گیرد و هر جامعه‌ی که از ایده‌ها، مفکوره‌های خلاق و اندیشه‌های مفید و بازوی توانای کارگر استفاده مطلوب و بهینه کرده است، امروزه به دست آورده‌ها، داشته‌ها و امکانات فراوان اقتصادی و تسهیلات معیشتی بهتر نایل گردیده‌اند. اغلب از امکانات امروز محصول و بازده زحمات طاقت فرسای کارگرانی است که از فرایند انجام کارهای شاقه برای رفا کشورها به بازارهای جهانی عرضه شده است. دریغاً که این صنفی مولد و موثر از جامعه از حقوق و امتیازاتی که باید و شاید برخوردار شوند بنا بر موجودیت نظام مهلک اژدهای هفت سر [امپریالیسم]، مستفید نیستند و از عرق ریزی و زحمات این طیف، اژدها اژدها تر و فقرا فقیرتر و بی‌چاره‌تر شده است. مفادی هنگفتی که از اثر مولدیت کارگران بدست می‌آید، به کام صاحبان سرمایه فرو می‌روند و عاید کارگر همان مزد قرار دادی است که در سرحد، حداقل معیشتی شان قرار می‌گیرند و با افزایش نرخ انفلاسیون در بسیاری از موارد تغییرات افزایشی در درآمد کارگر رو نما نمی‌شود، از رهگذر همین روی کرد است که وضعیت کارگران بصورت عموم هر روز بدتر و دشوارتر از قبل می‌شود و سبب بمیان آمدن طبقات در جامعه می‌شود. سرمایه داری دلال (کمپرادور) و بوروکراتیک وابسته به امپریالیسم جهانی عمیقاً در اقتصاد جامعه‌ی ما ریشه دوانده است که مانند گرگان گرسنه در چپاول و تاراج ثروت و سرمایه‌ی ملی ما مصروف اند. فقر، نا امنی، جنگ‌های فرمایشی و خسته سازی توده‌ها، تشکیل باندهای مافیایی، گسترش مواد مخدر، نابرابری اجتماعی و طبقاتی، فشار و ظلم بر زنان، افزایش میزان مرگ و میر کودکان در خانواده‌های کارگران و دهقانان زحمتکش و خصوصی‌سازی مالکیت‌های دولتی، منابع تولیدی، تجمع کارگران، دارایی‌های عامه، غصب زمین‌های دولتی، پروسه‌ی بیکارسازی مردم از مشاغل، محروم ساختن کارگران از حقوق‌شان، تبدیل کردن کارگران حرفه‌وی به مزدورکاران روزمزدی، خوار و حقیرکردن مردم عذاب دیده‌ی ما از ویژگی‌های این حاکمیت بوده و به طور ویژه‌ی با منافع استراتژیک امپریالیسم آمریکا در منطقه همخوانی دارد ...

کارگر کشتی نجات جوامع انسانی



محمد یاسر عمار

از روز کارگر در افغانستان در حالی بزرگداشت به عمل می‌آید که یک بخش عمده‌ی از مردم افغانستان اعم از تحصیل کرده گان و کارگران عادی از نبود کار شکایت دارند. این در حالی است که حکومت وحدت ملی بارها از ایجاد میلیون‌ها شغل برای شهروندان افغانستان در محافل سیاسی یاد کرده است. در حالی که نبود امنیت و فساد گسترده‌ی اداری به‌عنوان دو چالش عمده از دیر زمانی است که فراروی پالیسی ایجاد

کشور را دارد. بناً تا زمانیکه جو خفقان تبعیض بر سرنوشت مردم کشور مان حاکم باشد، گذار به یک جامعه‌ی مرفح غیر ممکن خواهد بود. با وجودی که یک بخش از مشکلات اقتصادی و نبود شغل در کشورهای در حال جنگ و پسا جنگ طبیعی به نظر می‌رسند اما در افغانستان از این مسأله دبیران اقتصادی و سیاسی به عنوان بهترین توجیه و فرار مسوولیت به نفع شان استفاده نمودند. از جانب دیگر فساد گسترده‌ی اداری سد آهنین فراروی در خواست کنندگان شغل در دواير دولتی می باشد. از سوی دیگر بروکراسی پیچیده و ... ادامه ص ۳

وضع کارگران در افغانستان همانند دیگر کشورهایی که هنوز مناسبات سرمایه بنابه دلایل داخلی و خارجی رشد نکرده و شیوهی تولیدی فئودالی و نیمه فئودالی بر آن مسلط است، شباهت دارد. در این کشورها کارگران از کوچکترین حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار نیستند، در حالی که سنگینترین وظایف را بدوش می‌کشند. آن‌ها به اثر فقر و ناداری قادر به تأمین حداقل معیشت لازم برای خود و خانواده‌ی شان نیستند و در وضعیت بسیار اسفباری قرار دارند که دستمزدشان به پیمانهای نازل است که پاسخگوی حداقل معیشت کارگر نبوده و به زحمت کفاف لقمه‌ی نان بخورونمیرش و روز آن‌ها را می‌کنند. شهرهای بزرگ کشورما مملو از کارگران بیکار و زحمت‌کشان درمانده می‌باشد، که هر روز از صبح‌گاه تا اوایل چاشت برای این‌که شاید کاری روزمزد برای‌شان میسرشود، در مکان‌های مخصوص شهر مثل چوک کارگران تجمع می‌کنند، ولی اکثراً بعد نیم روز انتظار برای دریافت کار، نا امیدانه آن‌جا را ترک گفته به خانه‌های‌شان بر می‌گردند. هستند کسانی که در طول سال فقط چند روز ویا چند هفته‌ی موفق به دریافت کار می‌شوند. در صورت تداوم این وضعیت فلاکت‌بار کشور آسیب دیده‌ی ما را آسیب پذیرتر از قبل می‌سازد. بیکاری‌های موجوده سبب پیوستن افراد بیکاربه گروه‌های سارقین و تروریستی شده و کشور را درازمدت تبدیل به کانون وحشت ودهشت، ترور و انفجار می‌کند و نتیجتاً منجر به دفن امنیت و ثبات در کشور می‌گردد، زیرا فقر و بی‌چاره‌گی و تنگ‌دستی موجب ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت، کشتار و راهزنی‌ها شده است و هنوز هم سیر صعودی خویش را به شدت غیر قابل تصور می‌پیماید. لذا وظیفه دولت است که بدیل پیوستن افراد و اشخاص را به گروه‌های ضد امنیتی، رشد و پویایی که همانا اشتغال و کار آفرینی است، مساعد سازند و کشور دچار بحران کنونی را نسخه‌پیچی و درمان کنند، تا ملت و نیروی فعال کشور ایجاد مولدیت کنند، کشور وابسته و وارداتی که سال‌های متمادی دچار کسر بیلانس تادیات است را از این کسر مزمن بکاهند و اندکی بخود کفایی اقتصادی نایل گردانند که از فرایند این رویکرد استقلال سیاسی هم تا انداره‌ی مقدور تأمین شده و از سیاست‌های تضرعی کشور در قبال کشورهای همسایه و به‌طور ویژه کشور پاکستان جلوگیری صورت می‌گیرند و همین‌گونه از مسدود شدن بنادر تجارتی و ترانزیتی به‌روی تاجران افغانی وضبط اموال آن‌ها کاهش بمیان می‌آید و از میزان فقر و بیچاره‌گی مردم که ناشی از افزایش سرسام آور نرخ تورم که از رهگذر ایجاد موانع و محدودیت‌ها فرا روی اجناس وارداتی توسط کشورهای همسایه می‌گردد، کاسته می‌شود. محقق شدن این مسایل سبب بهبود شرایط امنیتی و معیشتی در کشور شده و کشور را به آینده‌ی سبز و درخشان جهت می‌دهد. پس نجات افغانستان در ایجاد کار و اشتغال‌زایی می‌باشد، نه در چیزهای دیگر، گم شده واقعی ما کار و اشتغال است، کار و کارگری بازوی راست امنیت در کشور بوده و در خیلی موارد مقدم بر امنیت است، زیرا ما مکرراً تجربه کردیم و هیچ فردی را سراغ نداشتیم که در مهد رفاه و آسایش زندگی کرده و از امکانات اقتصادی خوبی برخوردار بوده اند و همچنان دارای شغلی که مکفی و پاس‌خگوی نیازمندی‌های خانواده‌ی‌شان بوده باشد، به گروه‌های داعش و تروریست پیوسته و خود را منفجر کنند. اکثریتی از تروریستان تنگ‌دست و فقیرند و چیزی را برای ازدست دادن ندارند و برای بدست آوردن نان با خود، فامیل، دولت و کشور می‌جنگند و از جان و فامیل شان می‌گذرند، فقراً ایدیولوژی، دیانت، مذاهب و جریان‌های فکری بی‌گانه است، گمشده‌ی فقیر فقط و فقط نان است و برای بدست آوردن آن از هیچ‌کار و از هیچ‌چیز و جنایت دریغ نمی‌ورزند. به‌باور صاحب این قلم یکی از فلسفه‌ی بمیان آمدن تروریست و به‌طور ویژه تروریستان و داعشیان داخلی را نداشتن‌های می‌داند که رفع احتیاجات ابتدایی آن‌ها را نتوانستند که به‌طور عموم طیفی کارگران بی‌کار را شامل می‌شود. پیشنهاد نویسنده برای سیاست‌گزاران مالی و اقتصادی کشور این است که جهت پویایی، تعالی، شکوفایی و پیشرفت اقتصادی کشور بایست توجهی ویژه را به دنیایی کار و کارگری داشته باشند تا زمینه‌ی شغل، اشتغال، تسهیلات و تشویقات سرمایه‌گذاری‌های سکتورهای خصوصی و دولتی فراهم شده و حاملان نجات کشور (کارگران) را از کشتی سرگردان و مسیر گم کرده، به ساحل امید و نوید رهنمایی نموده و از این رهگذر جاده‌ی سبز بدست کارگران برای نسل آینده، ترسیم می‌شود.

دست‌های آینه‌ی تلاش روزگارند.

توان دست‌هایت را می‌ستایم ای سازنده‌ترین نقش هستی در قاموس آفرینش، روزت مبارک تمام روزهای شکوفا از تلاش، روز توست. روز بهروزی من، روزی بهروزی تو، روزی بهروزی تمام دست‌های کار جهان، کار مایه‌ی حیات زندگی است، چشمه‌سار زلال زندگی با کار جلا و قوت می‌گیرد و کارگران، پیشگامان این حیات بدیع و نشاط آفرینند. کارگران از شریف‌ترین طبقه‌ی اجتماع هستند، زیرا چرخ دست و بازوی آنها باعث چرخش چرخه‌های زندگی جامعه و امتداد رگ‌های حیات در مجاری هستی است. کارگران جایگاه خاصی خود را در سیطره‌ی تاریخ و اسلام دارند، چنانچه پیامبر اسلام در رابطه به وصف کار، تلاش، کارگر، حق و حقوق شان سخن‌ها فرموده است که این امر به جایگاه خاصی کارگر دلالت دارد. کار و تلاش موجب شکوفایی استعدادهای درونی افراد می‌شود، از سویی دیگر فرد و جامعه را برای شکوفایی همه‌جانبه آماده می‌کند. تلاش اقتصادی یک کارگر در عرصه تولید نمایش پر رنگ عزت، عظمت و اقتدار یک جامعه است. امام سجاد (ع) می‌فرماید: دوست ندارم با ذلت نفس به اساسی‌ترین ثروت‌ها دست یابم. شایان ذکر است که در تاریخ جوامع و ملت‌ها کار و تلاش مؤید ضد استعماری بوده اند، لذا این نوع جوامع که روحیه‌ی جهاد، برای کار داشته اند هیچ‌گاه زیر سلطه‌ی بیگانگان نرفته اند و فرارز و فرودهای جامعه نتوانسته لطمات جدی به آن وارد نمایند و عزت آنان را خدشه دار کنند. پیامبر عظیم‌الشان در دین مبین اسلام به جایگاه کار بسیار توجه می‌نمود، وی همیشه در کارکردن بر دیگران پیشی می‌گرفت و از بیکاران و تنبلان احساس انزجار می‌کرد و همیشه بر دستان پینه‌بسته‌ی کارگران بوسه می‌زد و بر آنان مرهم می‌گذاشت. در حدیث دیگر از پیامبر اسلام آمده است: کسی که از حاصل دست‌رنج خود نان بخورد خداوند او را مورد رحمت خود قرار می‌دهد و از عذاب آتش نجات خواهد داد. در جایی دیگر از ایشان نقل شده است: هر آن فردی که برای بی‌نیازی خود تلاش کند رتبه‌ی او با رتبه شهیدان برابر است. این احادیث متواتر از پیامبر خاتم نشان از اهمیت کار و تلاش داشته‌اند و در فرهنگ اسلامی رهبانیت و کارگری به شدت مذموم شده است. کار و تلاش نه تنها جدا از اسلام نیست بلکه در متن دین می‌باشد و یک کارگر نه تنها شغل پستی ندارد بلکه هم در دنیا و هم در آخرت از بزرگترین جایگاه برخوردار است و از پاداش‌های عظیم اخروی سودمند خواهد شد. باید به این نکته اشاره کرد که بزرگترین مدال افتخار برای کارگر این است که بهترین فرد عالم، اشرف مخلوقات و عزیز پروردگار در مقابل او خم شده و بر دستانش بوسه زند، این دستان جایگاه فرشتگان است. این حرکت در تاریخ اسلام برای هیچ‌کسی دیگری تکرار نشده است و کسی از این مقام بالا برخوردار نگردیده است پس در حال حاضر نیز باید به کارگران همین‌گونه نگریسته شود و

آنان را در جایگاهی پست و پایین ندانند.

حال پرسش این است که نظام‌های سیاسی، اقتصادی و مکاتب فکری چگونه و به چه نحوی روابط کاری میان انسان‌ها را طرح ریزی و مهندسی می‌کند و مبنای این مهندسی بر چه پایه استوار است؟ پاسخ هر چه باشد به یقین مبتنی بر انسان‌شناسی و نگرش‌های جامعه‌شناختی و تصویر «سعادت» (در مکتب‌ها و نظام‌های اقتصادی و سیاسی است. بر این اساس میتوان پاسخ داد که در دین مبین اسلام به عنوان خاتم ادیان و بهترین دین و شریعتی که خداوند برای انسان‌ها فرستاده، مبنای روابط انسان‌ها به ویژه در عرصه کار و کارگر بر اخوت دینی و ایمانی استوار شده است. در این مبحث ما به آسیب‌شناسی روابط کارگری از منظر دین پرداخته‌ام، تفاوت جایگاه کارگر را در دو نظام اقتصاد اسلامی و لیبرال بررسی کرده‌ام. با توجه به این که سال‌هاست قانون کار در عرصه روابط کارگر و کارفرما و تبیین حقوق کارگر اجرا می‌شود، سوال اینست که اگر بخواهیم از منظر دین این روابط را آسیب‌شناسی کنیم، به نظر شما وضعیت امروز ما چگونه است؟ روابط اخوت و برادری به طور کلی در اسلام مطرح است که این رابطه خیلی عمومی و کلی است، اما می‌تواند هم بین کسانی که در یک فضای نزدیک به هم کار می‌کنند باشد و هم بین افرادی که دور از هم اند و هر کدام در فضای جدای از هم در حال کار کردن هستند. در اسلام این رابطه برادرانه باید وجود داشته باشد. یکی از انواع اخوت، اخوت حرفه‌ی صنفی است و این اخوت و برادری علاوه بر اخوتی است که به طور کلی بین افراد مطرح است. نوع دیگرش نیز اخوت بین کارگر و کارفرماست و در اسلام تاکید شده است که بین این دو صنف باید رابطه مناسب حاکم باشد به دلیل اینکه جامعه کارگری در طول زمان مورد ظلم و ستم قرار گرفته است. رسول مکرّم اسلام «ص» «و ائمه اطهار» ع «به تبعیت از مفاهیم قرآنی، دستور داده اند حقوق افرادی که جزء اقشار ضعیف جامعه محسوب می‌شوند و عنوان کارگر را دارند، باید رعایت شود، تا جایی که پیامبر اسلام» ص «به طور واقعی دست کارگری را بوسیدند که برای معاش خود کار می‌کرد. چنین افرادی که در این صنف مشغول فعالیت هستند، مورد احترام خاص رسول الله» ص «و دین مبین اسلام هستند. از جمله سفارش‌های پیامبر» ص «در اواخر حیات پر برکت‌شان خطاب به امیرالمومنین» ع «این است که مبادا کسانی که روزی خود را از طریق کشاورزی و کارگری به‌دست می‌آورند، مورد ظلم واقع شوند. بنا بر این وقتی حاکمیتی در جامعه به عنوان حکومت اسلامی شکل می‌گیرد، این وظیفه را دارد که مراقب باشد تا حقوق کارگران تلف نشوند. از سوی دیگر اسلام به کارگران هم سفارش کرده است که لقمه حلال به دست آورند و به میزان درآمد و دستمزدی که قرارگذاشته اند کار کنند و از کم‌کاری و بیکاری و مواردی که به استحکام کار لطمه می‌زند، خودداری کنند. قانون کار چه نقشی می‌تواند در تنظیم روابط کارگری ایفا نماید؟

قانون کاری که در کشورهای مختلف به تصویب می‌رسد، می‌تواند تعامل مناسبی بین کارگر و کارفرما برقرار کند. در هر زمانی با توجه به شرایطی که در عرصه جهانی حاکم بوده است، گاهی نظام مارکسیستی جلوه‌گری داشته و حمایت از کارگر را مطرح می‌کرده است و گاهی هم به بخش خصوصی و حقوق کارفرما پرداخته می‌شده و سهم کارگر فراموش می‌شده. افراط و تفریط‌های فراوانی در سطح بین‌الملل و در دهه‌های مختلف اتفاق افتاده است. در حال حاضر هم به دلیل اعتراض گسترده‌ی کارگران در برخی کشورها و درگیری‌های سیاسی و اجتماعی که پیش آمده، به سهم کارگران بیشتر از قبل توجه می‌شود. نظام کمونیستی که در حال حاضر به محاق رفته و ما با نظام‌های اقتصاد اسلامی و لیبرال رو به رو هستیم در این دو نظام کارگر چه جایگاه و موقعیتی دارد؟ چه تفاوت‌های در دیدگاه آن‌ها نسبت به کارگر وجود دارد؟ اگرچه نظام کمونیستی از نظر سیاسی در بخشی از جهان منقرض گردیده، اما در عرصه اقتصاد این‌گونه نیست حتی در اروپا هم هنوز رنگ و لعابی از نظام سوسیالیستی مشاهده می‌شود. اگر در کشورهای مثل فرانسه سوسیالیست‌ها قدرتی پیدا می‌کنند به دلیل این است که آنها در اصل سوسیال دموکرات هستند که از یک سو قائل به آزادی اند و از سویی در بحث تأمین اجتماعی مثل شمال اروپا و کشورهای اسکندیناوی به این نظام اقتصادی اعتقاد دارند. در دوره‌های جدید هم توجه به مشکلاتی که در بحث توزیع درآمد بخش مهمی از جامعه به وجود آمده، باید در انتظار ظهور مجدد نظام سوسیالیستی با شکل و شمایل دیگر در دنیا باشیم و به نظر می‌رسد که در بخش‌هایی از جهان نظام سوسیالیستی دوباره به تدریج شکل خواهد گرفت. اما به لحاظ نظری فعلاً دو نظام اسلامی و لیبرالیستی در جهان حاکم است. در این میان جریان اقتصادی حاکم بر دنیا جریان لیبرالیسم و اقتصاد آزاد است که البته بسیار متنوع در سطح جهان فعالیت می‌کند جاپان یک نوع شرایط اقتصادی دارد آلمان به نوع دیگری فعالیت می‌کند. انگلیس و فرانسه هم به‌گونه‌ای دیگر وحتى چین که از مجموعه‌ای از عناصر نظام اقتصاد لیبرال بهره می‌گیرد، از نظر نظام اقتصادی شرایط خاص خود را دارد و از نظر مالکیت هم چنان سوسیالیست باقی مانده اند، تفاوت‌ها در این می‌باشد که در نظام لیبرالیستی، قاعده بر حداکثر کردن سود است و توزیع درآمد به عنوان یک اصل اولیه در آن مطرح نیست. این یک جریان نیوکلاسیک اصلی است. اما در خود جریان نظام سرمایه‌داری تنوع بسیار گسترده‌ی حاکم است، پس بخشی از رگ‌های آن مثل کسانی که طرفدار کینز هستند، به جریان‌های سوسیالیستی نزدیک می‌شوند و دولت را در اقتصاد دخالت می‌دهند. جریان‌های مثل طرفداران فریدمن و نیوکلاسیک‌ها هم هستند که سعی می‌کنند دخالت را به حداقل برسانند و اجازه بدهند که بازار فعالیت‌های خود را انجام دهد.

ادامه... کاربرد ادبیات فارسی دری.

شاعران بزرگی چون مولانا و دیگران همواره یاران خویش را از گدایی دور می‌داشتند و آنان را به پرهیز از گدایی سفارش می‌کردند. اینان دوستان و یاران خود را دعوت می‌کردند که از عرق جبین و کد یمین نانی به دست آورند. از نظر این بزرگان، هر کسی می‌بایست از راه کسب یا به تجارت و یا به کتابت نان حلال به‌دست می‌آوردند. در غیر این صورت آن زندگی به‌هیچ نیرزد:

«روزی حضرت مولانا به یاران عزیز فرمود که ما در سؤال (گدایی و درخواست) را بر یاران خود بسته ایم، و اشارت رسول صلی الله علیه و آله را برجای آورده ایم که «إِسْتَعْفُ غِنِ السَّوَالِ مَا اسْتَطَعْتَ؛ تا آن‌جا که می‌توانی از درخواست و گدایی خودداری کن»، تا هر یکی به کد یمین و عرق جبین خود، یا به کسب یا به تجارت و یا به کتابت مشغول باشند؛ و هر که از یاران ما که این طریقه نوزد پولی نیرزد؛ همچنان روز قیامت روی ما نخواهد دیدن، و اگر چنان‌چه به کسی دست دراز کند، من روی بدیشان فراز خواهم کردن، و روی خواهم برگرداندن.» (مناقب العارفین، ج ۱، صص ۲۴۴ و ۲۴۵)

کارکیمیگری است

در ادب فارسی هم پایه «کار» از واژه «کوشش» زیاد استفاده شده است. این کلمه در کنار اشتراک معنایی‌اش با «کار»، مضمون دیگری را نیز می‌رساند که بار افزون‌تری دارد و استمراربخشی به کار، و جدیت در آن است؛ یعنی «کار به همراه استمرار و جدیت» در فرهنگ فشرده سخن آمده است: «کوشش: سعی، تقلا، جنگ و مبارزه، تلاش کردن و جدیت به خرج دادن.» (دکتر حسن انوری، فرهنگ فشرده سخن، ج ۲، ص ۱۸۶۸)

از این‌رو، در ادبیات فارسی از کار به‌عنوان کیمیگری یاد شده است. کیمیگری کار، همت‌ورزی است که قفل‌های بسته را می‌گشاید. چنان‌که صائب تبریزی گفته است:

اهل همت رخنه در سد سکندر می‌کنند

این سبک داستان، کلید فتح را دانداند

کار در آیین ادب فارسی

سازندگی، پیشرفت، توسعه و آسایش و کار برای رفع نیازمندی‌ها،

در اشعار و سخنان ادیبان و سخنوران زبان و ادبیات فارسی، به‌طور گسترده آمده‌اند، آنان عزت، بی‌نیازی، سربلندی، بالندگی را تنها در سایه کار جستند.

اشعار شاعران زبان فارسی کار و کوشش به فراوانی آمده است به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

صدف به کد یمین رزق خویش می‌گیرد

نم سخاوت ذاتی در ابر نیسان نیست

مرد را کار به ز بیکاری است

کاهلی، خبث و مردم آزاری است

پشتکاری و استقامت در کار

در کار برخی تلاش دارند؛ اما پایدار نیستند و همت و استقامت ندارند. آن‌گاه که به پیروزی نزدیک می‌شوند دست از تلاش و مبارزه بر می‌دارند. در نتیجه، حاصل تلاش خویش را از دست می‌دهند یا به کم‌ترین بهره اکتفا می‌کنند.

می‌دانیم که استقامت و پایداری، رمز رسیدن به پیروزی در کار است و بدون آن گاهی حاصل تلاش یک عمر نیز ممکن است از دست برود.

شاعران پارسی‌گو در کنار توصیه به کار و کوشش، به پایداری و استقامت و پشتکار در کار به فراوانی اشاره کرده‌اند:

یحیی برقی

استقامت پیشه کن کز استقامت، ریزه سنگ

آسیا را با تأمل، رخنه در بنیان کند

من غلام همت آنم که از سعی و عمل

کارهای سخت را بر خویشان آسان کند

پالان‌گری به غایت خود

بهرتر ز کلاه دوزی بد

گفتن ز من، از تو کار بستن

بیکار نمی‌توان نشستن

این شاعران اشاره دارند که انسان متخصص، از «خاک»، «زر» می‌سازد، درحالی‌که انسان ناقص و فاقد تخصص، حتی اشیای گران‌بها را نیز تلف می‌کند و از «زر»، «خاکستر» می‌سازد:

کاملی گر خاک گیرد زر شود

ناقص از زر بُرد خاکستر شود

کار و کسب، عامل عزت نفس و بی‌نیازی

در این جهان فقط خداوند بی‌نیاز است. بی‌نیازی صفت او است. بندگان خداوندی هم در کار در پی

بی‌نیازی و عزت نفسند. بزرگان ادب پارسی، شیوه‌های عزتمندی را بازگو کرده‌اند؛ آنان در مورد به عرق ریختن و کار کردن و بی‌نیاز شدن از مردم اشاره کرده‌اند:

خاک خور و نان بخیلان مخور

خاک نه ای، زخم ذلیلان مخور

بر دل و دستت همه خاری بزن

تن مزن و دست به کاری بزن

به که به کاری بکنی دست خوش

تا نشوی پیش کسان دست کش نظامی

کار گنج در برابر رنج است

در سنت و ناموس طبیعت گنج به شرط رنج به دست می‌آید. سودای به کف آوردن گنج، بی‌تحمل رنج، سودایی خام بیش نیست؛ زیرا گنج داران عالم، رنج بردگان جهان بوده‌اند. بزرگان زبان در این مورد چنین اشاره کرده‌اند:

چو کوشش نباشد، تن زورمند

نیارد سر از آرزوها بلند

که‌اندر جهان، سود بی رنج نیست

کسی را که کاهل بود گنج نیست

دوری از تنبلی و سستی

شاعران پارسی‌گو در کار، به پرهیز کردن از سستی و تنبلی توصیه کرده‌اند. آنان تنبلی و سستی را آفت‌های کار و باعث شکوفا نشدن و رشد استعدادها دانسته‌اند که هرگز نخواهد گذاشت که نهال وجودش بارور و حاصلخیز شود. حضرت علی علیه السلام فرموده است: «أَقْفُ التَّبْخِجِ الْكَسْلُ؛ آفت پیروزی، کاهلی و تنبلی است.» (آمدی، غررالحکم و دررالکلمه، ج ۳، ص ۱۱۲)

فردوسی حکیم در این زمینه گفته است:

تن آسایی و کاهلی دور کن

بکوش و ز رنج تنت سور کن

نتیجه‌گیری

پژوهش و کوشش‌هایی که از زندگی شاعران، ادیبان، عارفان و صوفیان پارسی‌گو شده است، مشخص گردیده است که بیش‌تر این بزرگان به کار، تلاش و فعالیت‌کاری برای امرار معاش اهمیت می‌دادند و به آن می‌پرداختند. چنین بوده است که نام و لقب این بزرگان، خود بیانگر حرفه آن‌ها بوده است، مانند: ابوبکر صابونی، ابوبکر قفال (قفل ساز)، ابوصالح دندانی (خلال دار)،

ابوالعباس قصاب، ابوعبدا... کرام (نگهبان باغ‌های انگور (کرم)، احمد عدنی باف، سری سقطی، خیر نساج و...

از این‌رو، بیش‌تر این بزرگان در مجالس وعظ و سماع و درس‌های عمومی و سخنرانی که برای ارشاد و راهنمایی مردم بر پا می‌داشتند، به امر کسب و کار و به دنبال روزی رفتن سفارش می‌کردند. از جمله ی این عارفان می‌توان به: ابو سلیمان دارانی، ابو حامد بلخی، حارث محاسبی، سهل بن عبدالله تستری و ابونصر سراج اشاره کرد. چنان‌که مولوی در این باره می‌گوید:

«گر توکل می‌کنی در کار کن

کشت کن پس تکیه بر جبار کن.» (بلخی، ۱۳۷۱: ۵۱)

در این میان حرفه‌های پر درآمدی چون بازرگانی و تجارت، امیری شهر و قضاوت نیز وجود داشته است که بزرگانی چون ابو عمرو حسکویه، شبلی (امیر دماوند)، علی محتسب و عین‌القضاة همدانی به آن اشتغال داشته‌اند.

در مقابل این گروه، بزرگان شاعر دیگری بودند که مشاغل پردرآمد نداشتند مانند: ابوالحسن خرقانی که به مشاغل سخت و کم‌درآمد اشتغال داشتند، مانند شغل کج‌کچی یا چارواداری که ابوالحسن به آن مشغول بود. در طرف دیگر، بزرگ مردانی چون: امام محمد غزالی، احمد غزالی، خواجه عبدالله انصاری، ابوالقاسم قشیری و امثال این‌ها، به امر تدریس و تعلیم مردم در نظامیه‌ها و مدارس اشتغال داشتند.

بنابراین، مشاهده می‌شود که بیش‌تر شاعران، عارفان و صوفیان به کار و تلاش جهت تأمین مایحتاج زندگی خویش، مشغول بودند. کار جزء جدایی‌ناپذیر زندگی آنان به شمار می‌رفت. از این‌رو آنان در شعرهای شان از کار و تلاش برای کسب روزی حلال فراوان سخن گفته‌اند و از کار به نیکویی یاد کرده‌اند.

منابع و مآخذ

۱. ارشاد، فرهنگ. (۱۳۸۵). کار و روابط آن. تهران: شهرآشوب.

۲. توسلی، غلامعباس. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی کار و شغل. تهران: سمت.

پانویست:

۱. سبلیت: لاف گفتن، تفاخر کردن

۲. گلابه: گل و لای.

۳. تاسه: اندوه و اضطراب.

ادامه.... کارگر کشتی نجات جوامع انسانی

و غیر منطقی زمینه را برای فساد گسترده در کشور فراهم نموده است، که برای بیرون رفت از این معضل خاتمه دادن به فرایند بروکراسی پیچیده و غیر منطقی بوده، تا باشد زمینه‌ی گذار به بروکراسی عقلانی فراهم گردد. در کنار سایر مشکلات در چند سال اخیر خشک سالی‌های پی در پی باعث شده است که شماری زیاد روستا نشینان برای ادامه حیات شان به شهرها رو آورده اند که این مسأله در بیش‌تر از یک

دهه اخیر خود باعث تراکم نیروی کار در شهرها شده است. با توجه به وضعیت

شکندندگی اقتصادی و معضل بی‌کاری اگر دولت برای رفع مشکلات روستانشینان اقدام لازم را روی دست نگیرد معضل

بیکاری روز افزون صفحه جدیدی از مشکلات اقتصادی و سیاسی را برای

حکومت و شهر وندان در پی خواهد داشت

بناب دولت می‌تواند که با مهار کردن

آب‌های جاری در کشور و هم چنان توجه لازم به خدمات آموزشی، صحتی و تقویت

سکتور زراعت در روستاها و روستانشینان را در مکان‌های اولیه شان حفظ نماید. با

این اقدام از مهاجرت‌های داخلی جلوگیری به عمل خواهد آمد. از جانب دیگر جامعه‌ی

افغانستان را به خود کفایی فر آورده‌های

زراعتی قرین می‌سازد. اگر دولت بتواند که

با روی کار آوردن حکومت داری محلی کارا

و ایجاد تاسیسات عام المنفعه از تراکم

نفوس در شهرها جلوگیری نماید، در

حقیقت موج بزرگ از بحران بیکاری را

مدیریت کرده است. جلوگیری از تراکم

نفوس در شهر اولین گام در راستای بهبود

کیفیت زندگی شهر نشینان خواهد بود و

مراحل بعدی آن با تشویق و حمایت

سکتورهای خصوصی جلب سرمایه

گزاره‌های داخلی و خارجی با ایجاد

شهرک‌های صنعتی برای معضل بیکاری

نقطه پایان بگذارد.

صاحب امتیاز: مجمع ملی تغییر و نجات
مدیر مسئول: داکتر حفیظ شریعتی "سحر"
سردبیر: محمد عارف رضایی (۰۷۹۴۲۵۷۹۳۳)
ویراستار: زبیده صفری و عارفه معرفت
نویسندگان: داکتر حفیظ شریعتی، سحر، عارف رضایی، سمیرا سادات، احمد وفا، فاطمه رحیمی، یاسین یاسان، ذکریا صمدی، عظیم نظری، علی مشعل، یاسر عمار، سکینه فکوری، ابراهیم بهزاد، عوضعلی فرزام، سیما سادات و عنایت ناصر.
گزارشگر: محمد علی رحمانی
همکاران: انترنیتی: محمد علی رحمانی
طراح: علی خان قاسمی
فیسبوک: www.Facebook.com/Taghtr.Nejat
وبسایت: www.Jaghornews.com

مرکز پخش: دفتر مرکزی مجمع ملی تغییر و نجات، کابل - ناحیه ۱۳ - ایستگاه بریل.
محل توزیع: کابل، غزنی، هرات، غور، هلمند، بامیان، بهسود، دانکندی، بلخ و کویته پاکستان.
توزیع کنندگان: سیما سادات، سکینه فکوری، یاسمین یاسان، هاجر رحیمی و مهدی فرهمند.
تیراژ: ۲۰۰۰
قیمت: ۵ افغانی
یادداشت:
۱. هفته نامه ی کارا در نشر مطالب ارسالی شما دست باز دارد.
۲. کارا در ویرایش مطالب ارسالی تان دست باز دارد.
۳. هفته نامه ی کارا به استثنای سرمقاله، در برابر هیچ یک از مطالب دیگر مسئولیت ندارد.



سال تاسیس: ۱۳۹۴



یکشنبه، ۱۲/ثور / ۱۳۹۵ - Sunday, 1/May/2016

سال اول، شماره ششم



عبدالرازق اسماعیلی

به مناسبت روز جهانی کارگر

روز کارگر در واقع موعد ارج نهادن و سپاس گذاری از محصولات، داشته‌ها و مولدیت‌های ایجاد شده‌ی که از رهگذر زحمات و تلاش‌های خستگی ناپذیر کارگر به جامعه‌ی انسانی تقدیم شده است، می‌باشد، که همه ساله اول ماه می یا ۱۲ ثور را اکثریت از کشورها به عنوان روز جهانی کارگر تجلیل می‌نمایند، وسایل وامکاناتی را که جوامع انسانی در طول روز از آن استفاده می‌کنند، محصولی است که کارگران شبانه روز برای تولید آن در مزارع، کارخانه‌ها و یا جاهای دیگر زحمت کشیده اند. کارگریا تولید کننده، عمده ترین عامل تولید است که با دستا پینه بسته‌ی شان همه وقت زحمت می‌کشند تا محصول را بدست آورده و برای مصرف کننده آماده سازد، اما این همه زحماتی را که کارگر متقبل می‌شوند، از زحمات شان به کدام پیمانانه بهره برده و چقدر برای خود وفامیل شان سود آور بوده است و مفاد آن به جیب کی‌ها می‌ریزد، قابل تامل است. عمده ترین و تقریبا همه‌ی منفعت، محصول و زحمات کارگر به جیب فیودالان، سرمایه داران و صاحبان کارخانه‌ها می‌ریزند. کارگر که خود تولید کننده است هیچگاهی قادر نشده و نیست که از محصول و تولید شان بهره ببرند، بلکه محصولات و تولیدات شان را اربابان، فیوادالها، صاحبان کارخانه جات و اربابان قدرت است که تصاحب شده و از کارگر به عنوان ابزار استفاده کرده می‌کنند، اگر چند در گذشته‌ها کارگران برای بدست آوردن حق و حقوق شان چندین بار دست به اعتراضات و انقلاب‌ها هم زده اند، اما قادر به آن نشده تا بتوانند طوری که لازم است از حقوق شان بهره ببرند. از این رو بود که مارکس و انگلس اولین کسانی بودند که برای بیداری کارگران و خارج ساختن آن‌ها از استثمار فیودالان و سرمایه داران دست به بیداری و در نهایت انقلاب زدند، انقلاب کارگری که به راهنمای و روشن نگری مارکس انجام شد، توانست تا حدود اهرم فشار باشد بر علیه مالکان، فیودالان و سرمایه داران اما هیچگاهی قادر نشد آن طوری که مارکس می‌خواست کارگران به حق خود برسند. انقلاب بزرگ کارگری که در آمریکا در سال ۱۸۸۹ رخ داد باعث شد تا بعضی از کارگران ۱۴ ساعت کاری کارشان به ۸ ساعت کاهش پیدا کند و بعدا با ادامه‌ی اعتراضات تمام کارگران در آمریکا و سپس به اروپا و سایر نقاط جهان به هشت ساعت کار کاهش بیابند. دریغا که دست اندرکاران و سیاست گزاران کشورما هیچگاهی زمینه و محیط مناسب را برای کارگران فراهم نساخته و تا حالا هم بدلیل مختلف از جمله جنگ‌های که از دهه ۸۰ تا کنون در مملکت جریان دارد، کارگران نتوانسته اند که از مزایا و امتیازات قانونی شان از قبیل بیمه‌های بیکاری و صحتی که اصلا وجود ندارند، بهره مند گردند. کارگران در افغانستان هیچگونه امنیت شغلی ندارند، هرگاه کار فرما یا صاحب کار بخواهد کارگری را اخراج یا از پرداخت حقوقش خود داری ورزد، مرجعی وجود ندارد تا به این مسأله رسیدگی نموده و از حقوق کارگر دفاع نماید. امیدوارم که به جای تجلیل تعارفی و نمایشی از روز جهانی کارگر مسوولین امور در فکر بهبود معیشت و بهبود زندگی کارگران باشند، مخصوصا دست اندرکاران وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان تدابیری بسنجند، تا کارگران افغانستان از بیمه صحتی و دیگر امتیازات از جمله امنیت شغلی و محیط صحتی کاری بر خوردار شوند.

کارگر و مشکلات فرا روی آن در افغانستان زبیده زینت صفری



پیش از پرداختن به این امر که روز جهانی کارگر در افغانستان چگونه تجلیل می‌شود و وضعیت فعلی کارگران افغانی تبیین کننده‌ی کدام حالت بوده و معضلات کنونی که فرا روی آن‌ها وجود دارد چه می‌باشند. به‌طور مختصر به فلسفه‌ی بوجود آمدن روز جهانی کارگر می‌پردازم برای اولین بار در چهارم ماه می ۱۸۷۶ میلادی کارگران آمریکایی بخاطر تعدیل در ساعات کاری و عدم تناسب آن با در صدی دست آورد شان یا همان دست مزد روزانه ساعات کاری شان را از ده ساعت به هشت ساعت کاهش بدهند، بابستن ۱۲۰۰ کارخانه و کارگاه دست به اعتصاب زدند، که بعد از این گردهمایی بزرگ کارگری همه ساله از این روز در سراسر جهان تجلیل به عمل می‌آید، گذشته از سطح کلان این واقعت که یک امر جهانی و بین المللی است، این روز را در محوطه‌ی کشور خود ما یا در قالب جغرافیای مشخص به نام افغانستان تحت مطالعه و بررسی قرار می‌دهم. بی تردید در جامعه‌ی افغانی از این روز طوری تجلیل به عمل می‌آید که ده‌ها تن از کارگران ما آگاهی ندارد و تجلیل از این روز بیش تر بعد سمبولیک داشته شعار و وعده‌های که داده می‌شود رنگ و بوی آرمان گرایانه دارد تا واقعت‌ها. تبریکات هم در این روز فقط در قالب گفتار است تا عمل. اگر پالیسی سازان اقتصادی کشور قول و وعده‌های آرمانی شان که بیشترین از طریق رسانه‌ها و صفحات مجازی صورت می‌گیرد، پا فراتر بگذارند و فاصله‌ها میان گفتار و عمل را به حد اقل برسانند تا پیمانهای می‌توان درد این طبقه‌ی زحمت کش و محروم را به آینده سبز و نوید بخش رنگ امید بخشید.

از سوی دیگر افغانستان سرزمینی که ملت آن بنابه نداشتن، عوامل تولید، نیروی متخصص و کارگاه های مدرن و به روز که بتواند در عرصه‌ی تجارت و بازار کار هم گام با جهان باشند و تولیدات شان در عرصه جدید در رقابت‌های میدانی صنعت و تولید به نمایش بگذارند، متاسفانه در رقابت بازارهای جهانی احساس ناتوانی و عجز می‌کنند. با احساس این نیاز است که کارگران افغانی ما با مهاجرت‌های بیرون مرزی شان که اکثرن به کشورهای همسایه هم چون پاکستان، ایران و در سطح جهان مثل ممالک اروپایی دست به مهاجرت می‌زنند و تاحد کافی فن و مهارت‌های کارگری در کارگاه‌ها و شرکت‌ها را می‌آموزند و دوباره وقتی به افغانستان بر می‌گردند نظر به نداشتن چنین شرایط و فرصت‌های کاری یکبار دیگر منزوی شده و مهارت‌های شان دوباره بدست فراموشی سپرده می‌شود. معضل دیگری که کارگران امروزه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند عدم برنامه درست کاری در ابعاد مختلف مثل مشخص نبودن ساعات کاری، عدم شرایط امنیتی، متناسب نبودن دست مزد کارگران در مقایسه با سهم کاری آن‌ها و همچنین تقسیم کار مطابق به سن و سال این صنفی از جامعه صورت نگرفته است. در نتیجه دولت افغانستان هیچ نوع توجه نسبت به کارگران چه در شرایط امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و مخصوصن روانی ندارد و آنچه را که به عنوان راه حل نهایی می‌دانم این است که دستگاه قدرت به عنوان مرکزی ترین و با اعتبارترین بانک طرح و پلان با ایجاد نمودن سازمان‌های کارگری که زیر چتر این سازمان‌ها می‌توان تقسیم کار را متناسب با سن، انگیزه کاری و روانی کارگران فراهم نموده و در نهایت دولت افغانستان مکلف اند، به همان میزان که نیروی کار تولید می‌کنند به همان اندازه بازار کار را وسعت ببخشند و برای نیروی فعال جامعه کار ایجاد کند تا کشور مصرفی و وابسته‌ی ما اندکی به سوی بهبودی و شکوفایی جهت داده شود.

کارگر خورشید است



سمیرا موسوی

پدرم همیشه به عکسش زل می‌زد و از پدرش قصه‌ها می‌کرد. مثلا می‌گفت: پدرش کارگر بوده است و با آخرین ستاره از آسمان صبح به مزرعه می‌رفته و با اولین ستاره از آسمان شب به خانه برمی‌گشته است. می‌گفت: پدرش تمام روز درخت می‌شده و به بار می‌نشسته تا شب بادست پر از سیب به خانه برگردد. می‌گوید: پدرش خورشید بوده است. بلی اینگونه پدرم عمریست برایم سوره نان می‌خواند و اما من امروز پدرم همیشه زبیرنایی ترین قسمت زندگی انسان‌ها باشد، چرا که از کار می‌توان به جوهره‌ی درونی افراد پی برد و وقتی این جوهره‌های درونی آشکار شوند و استعدادها بالقوه ظهور کنند می‌توان به حضور جامعه‌ی پویا امیدوار بود و همین جوهره‌های درونی اند که لازمه‌ی ایجاد یک زندگی معقول و ایده‌آل برای انسان و انسانیت هستند. پس پدرم راست می‌گفته که کارگر خورشید است. کلید گشایش هر استعدادی در درون انسان کار است. به عبارت ساده این کار است که ارزش انسان را تعیین می‌کند. پس کاری را که ما انجام می‌دهیم چگونه است؟ آیا کاری را که ما انجام می‌دهیم تنها باید جنبه‌ی مادی داشته باشد و بوی نان بدهد؟ یا جنبه معنوی هم داشته باشد و بوی ایمان هم بدهد. گفتیم باید بوی ایمان هم بدهد پس می‌بینیم که این فرهنگ با اهمیت از اسلام نشأت می‌گیرد. امام علی (ع) می‌فرماید: خداوند (ج) به حضرت داود وحی می‌فرستد که تو بنده‌ی بسیار خوب من هستی و تنها نقطه ضعفی که تو داری این است که کار نمی‌کنی و از دست مزد خودت امرار معاش نمی‌کنی. داود چهیل روز گریست و سپس به شغل آهنگری روی آورد. امام صادق (ع) می‌فرماید: خداوند (ج) انسانی را که خواب و بیکاری او زیاد باشد، مبعوض می‌دارد. پس بیایید زنده بودن را به بیداری بگذرانیم که سال‌ها بعد به اجبار خواهیم خفت. سرانجام با تبریک گفتن روز کارگر به تمام کارگران باحمیت این نوشته را به پایان می‌رسانم.